بررسی بخش «فرهنگ عمومی و رسانه» لایحه هفتم توسعه

توسعه فرهنگ، علمی یا تخیلی؟

عاطفه جعفری
خبرنگار گروه فرهنگ

لایحه برنامه هفتم توسعه پس از کش‌وقوس فراوان، بالاخره ۲۸ خردادماه برای بررسی به مجلس شورای اسلامی تحویل داده شد. همان زمان اعتراض‌هایی درباره بخش‌های مختلف این لایحه مطرح و قرار شد تا دوباره در کمیسیون تلفیق بررسی شود و بعد به صحن علنی مجلس بیاید، این اتفاق افتاد اما همان بخش‌هایی که ایراد به آن وارد بود بدون تغییر خاصی دوباره در لایحه قرار گرفت. توزیع نامتوازن به جنس سیاستگذاری فرهنگ و هنر و فاصله از ارزیابی‌های کیفی ازجمله ایرادهایی است که درمورد این لایحه مطرح شده است. ضمن اینکه تغییر چندانی در متن پیشنهادی دولت در بخش «فرهنگ عمومی و رسانه» از طرف مجلس صورت نپذیرفته است. محسن زنگنه، سخنگوی کمیسیون تلفیق لایحه برنامه هفتم توسعه در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی در روز دوشنبه ۳ مهرماه، تغییرات در اصلاح لایحه را این‌گونه مطرح کرد که برخی نواقص در حوزه فرهنگ از عدد به درصد تغییر پیدا کرده است. این اظهارنظر یعنی تغییرات بنیادینی بر همان متن اولیه به خصوص در حوزه فرهنگ رخ نداده است.

هدف از برنامه‌های توسعه معمولا این است که به‌عنوان اسناد بالادستی و منبع اصلی رجوع در حوزه سیاستگذاری تلقی شوند که اگر سیاستگذار به درستی بنای درستی را در آن ترتیب داده باشد، نهادهای اجرایی می‌توانند اقدامات موثر عملیاتی را ترتیب دهند و برنامه توسعه به همان صورت که نوشته‌شده به مرحله اجرا و عمل برسد. در گزارش امروز به این لایحه و تغییراتش پرداختیم که چه اتفاق‌هایی در کمیسیون تلفیق برای آن افتاده و همچنین بررسی کردیم که چه اشکالاتی متوجه آن است.

* * *

فرهنگ لایحه هفتم چه چیزهایی است؟

برنامه هفتم توسعه شامل ۲۲ فصل و هفت بخش مختلف است که بخش‌های اقتصادی، زیربنایی، فرهنگی و اجتماعی، علمی، فناوری و آموزشی، سیاست خارجی، دفاعی و امنیتی، اداری، حقوقی و قضایی را شامل می‌شود. این لایحه ۸ خردادماه در دولت تصویب و برای مجلس ارسال شد. بخش فرهنگی و اجتماعی در این لایحه، حدود ۳۵ صفحه است و بخش فرهنگ هم حدود چهار صفحه و البته هشت بند از نزدیک به ۳۰۰ بند این لایحه را شامل می‌شود. با این آمار و عناوین، حوزه فرهنگ را باید جزء نحیف‌ترین بخش‌های برنامه‌های توسعه دانست. توسعه برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی در قالب فرهنگ عمومی و سبک زندگی، جمعیت و خانواده، سیاست داخلی و ارتقای سلامت اجتماعی، نظام سلامت، تامین اجتماعی و سیاست‌های حمایتی و صنعت گردشگری و صنایع‌دستی به‌صورت کلی آمده است.

به‌صورت کلان نقدی که در تدوین بخش‌های فرهنگی این برنامه مطرح است این است که به ریز مسائل فرهنگی نو که با ظهور پدیده‌های گوناگون فناوری در فضای امروز جامعه به وجود آمده، توجه کافی نشده و این مسائل از نقاط مفقود این سند است. درحالی‌که حتما این پدیده‌های نو بسیار مهم هستند، آن هم در شرایط فعلی که همه در فضای مجازی سرگرم هستند، اینکه هیچ جای این لایحه توجهی به این موضوع نشده است و این خود جای تامل دارد. در شرایطی که فرهنگ عمومی امروز ما، به یک بستر معیوب و مملو از آسیب دچار است، طراحی نظام‌نامه‌ها و سیاستگذاری‌ها نباید گرفتار تمرکز بر یک بخش از حوزه فرهنگ باشد و برنامه توسعه نیازمند توجه و نظر یکسان به همه بخش‌هاست. درحالی‌که در بخش‌های فرهنگ و هنر برنامه هفتم توسعه، حوزه‌های موسیقی، تئاتر و کتاب در مقابل هنر سینما برنامه‌ریزی و توجه یکسانی نداشتند.

می‌دانید فیلم‌ها و سریال‌ها چگونه ساخته می‌شوند؟

در ابتدای ماده ۷۴ این لایحه به‌طور واضح و آشکار اشاره شده است که در پایان برنامه باید ۱۰۰ فیلم سینمایی تولید شود. در اینکه با چه منطق و معیار و چه سازوکاری هماهنگ با جنس روند تولید آثار سینمایی، این رقم تعیین شده است؛ برای همه جای سوال است. به‌نظر می‌رسد درکی از ویژگی سینما و جنبه سرگرم‌سازی آن با توجه به نیاز ضروری جامعه ایران وجود ندارد. همچنین در ماده ۷۷ فصل «ارتقای فرهنگ و عمومی و رسانه» لایحه برنامه هفتم توسعه، صداوسیما مکلف شده تا پایان برنامه (چهارسال)، نسبت به تحقق این موارد اقدام کند. میانگین هر انیمیشن استانی و ملی حدود چهاردقیقه محاسبه شده است. درعین حال درصورت تقسیم ۱۱۰۰ قسمت سریال به‌طول برنامه هفتم توسعه (چهارسال) صداوسیما باید سالانه ۲۷۵ قسمت سریال بسازد.

اینکه این برنامه‌ریزی چطور انجام شده است، خودش احتیاج به بررسی دارد. به‌گفته کارشناسانی که برنامه را بررسی کرده‌اند، اینکه توزیع درست نظام ساختاری و کارکردی مبتنی بر سرگرم‌سازی عمومی به وسیله سینما باید به چه طریق باشد؛ حتما کار درستی است، اما وجه کارکردی این ابزار در این برنامه‌ریزی مغفول مانده است.

یکی دیگر از نقاط عجیبی که در ماده ۷۷ آمده، اینکه صداوسیما را علاوه‌بر اینکه مکلف به تولید برنامه و آثار نمایشی متنوع کرده است. در تبصره ۱ تاکید دارد سازمان صداوسیما مکلف است به‌طور میانگین سالانه ۱۰ درصد از حجم تبلیغات آگهی بازرگانی خود را کاهش دهد و دولت مکلف است کاهش منابع درآمدی سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران را از این محل جبران کند. این تبصره درحالی در لایحه هفتم توسعه لحاظ شده که یکی از ارکان مهم درآمدی سازمان صداوسیما بخش بازرگانی و تبلیغات است. درحالی‌که این جنس برنامه‌ریزی، هزینه مالی سازمان صداوسیما بر دولت را افزایش می‌دهد. بنابر نظر کارشناسان، یکی از عوامل اصلی تورم، ناترازی بودجه است و به همین دلیل مجلس باید در مصوبات خود به‌گونه‌ای عمل کند که بار مالی شدیدی به دولت تحمیل نشود و دولت دچار کسری بودجه نشود. به‌نظر می‌رسد این جنس سیاستگذاری‌ها در لایحه هفتم توسعه به‌گونه‌ای طراحی‌شده که شناخت دقیقی از دنیای واقعی تولید فیلم و سریال و برنامه ندارد و از این جنس تناقضات بسیار دیده می‌شود.

نقاط مغفول و ضعف برنامه‌ریز

با یک مرور به مجموعه برنامه‌های فرهنگی در این بخش، هنرهای نمایشی، موسیقی، تجسمی، فرهنگ کتاب و کتابخوانی، بسیار مغفول مانده و آن‌طور که شایسته یک برنامه‌ریزی بلندمدت در حوزه فرهنگ کشور و جامعه است، در برنامه مذکور روی این هنرها برنامه‌ریزی صورت نگرفته است. اولین چیزی که به ذهن خطور می‌کند این است که به‌نظر می‌رسد ضعف توجه برنامه‌ریز به کارکرد موثر هر یک از هنرهای مغفول مانده در برنامه، ازجمله علت‌های اصلی این نقصان و ضعف است؛ حال درمقابل همین خاصیت کارکردی اثرگذار سینما که به‌درستی از سوی او فهم شده، باعث شده توجه مستقیم به سینما در این برنامه صورت گیرد. موسیقی بخش قابل توجهی از زیست روزمره و سهم قابل توجه در سبک زندگی جاری مردم ایران خصوصا نسل‌های دهه‌های ۸۰ و ۹۰ را شامل می‌شود. بارها در همین صفحات به اثرگذاری موسیقی اشاره کردیم و گفتیم که در مجلس خصوصا کمیسیون فرهنگی هم توجهی به موضوع موسیقی نمی‌شود و این توجه نکردن می‌تواند باعث جدایی مسئولان از عموم جامعه شود و حالا در برنامه توسعه هم می‌بینیم که این بی‌توجهی کماکان وجود دارد.

اگر بخواهیم در کلیت بگوییم خیلی در برنامه‌های توسعه‌ای به موضوع کتاب پرداخته نشده است؛ مثلا از میان ۱۲۴ ماده مصوب برنامه ششم توسعه، ذیل ماده شماره ۹۲ که پنجمین مورد آن مربوط به نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور بوده، آمده است: «دولت مکلف است تمهیدات لازم را نسبت به توسعه فرهنگ کتابخوانی با اولویت کتابخانه‌های روستایی در مناطق کمتر توسعه‌یافته، براساس طرح آمایش سرزمین و نیازهای منطقه‌ای با رویکرد تشویق و جذب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و تعاونی در تولید کتاب و محصولات فرهنگی و سایر کالاهای فرهنگی و هنری فراهم کند و تا پایان سال اول اجرای قانون برنامه با نرخ رشد سالانه پنج درصد مطابق قانون بودجه سنواتی نسبت به وضعیت موجود در طول اجرای قانون برنامه اقدام کند.» اما همین بند هم در قانون هفتم توسعه حذف شده است. بعد از آنکه قرار شد در کمیسیون تلفیق مواردی به لایحه اضافه شود، نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور چند پیشنهاد برای برنامه هفتم در حوزه کتاب و کتابخوانی ارائه کرد. یکی از مواردی که این نهاد برای پیشنهاد در این حوزه درنظر گرفته بود، مکلف کردن دولت برای توسعه زیرساخت‌ها و پشتیبانی فیزیکی و مجازی از کتابخانه‌های عمومی براساس نقشه مهندسی فرهنگی کشور، طرح ملی آمایش کتابخانه‌های عمومی و سند راهبردی نظام جامع فناوری اطلاعات به‌نحوی که طی سال اول برنامه حداقل ۱۵ میلیون نفر ساعت خدمات فرهنگی و اثربخش به مخاطبان به‌ویژه کودک و نوجوان ارائه شود و میزان آن با نرخ سالانه ۲۰ درصد در طول اجرای قانون برنامه مطابق قانون بودجه سنواتی رشد کند. موضوعی که در حوزه کتاب و کتابخوانی حتما مهم است. اما باز هم در لایحه بعد از کمیسیون به آن توجه نشده و خالی از توجه جدی به حوزه کتاب هستیم.

در این لایحه چیزی از هنرهای تجسمی بومی، نقش و رویه مشخص و هویت‌بخش آنها در سبک زندگی امروز ایرانی‌ها و شکل‌دهی به فکر و اندیشه ایرانی امروزی وجود ندارد. هنر تئاتر جایش در این برنامه خالی است و ظاهرا دیدگاه برنامه‌ریزان به این سمت است که این هنر یک هنر، شبه روشنفکری محسوب می‌شود! یا اینکه از منظر سیاستگذاری فرهنگی عموما به‌عنوان یک هنر حاشیه‌ای حساب شده و توجهی به این تئاتر نشده است. درحالی‌که دستگاه تولید و تکثیر هنرمندانی که به‌صورت جدی در ساختارهای هنر نمایشی فعالیت می‌کنند از داخل سالن‌های تئاتر شکل می‌گیرد.

ساترا و نقش پررنگ در برنامه هفتم

با ازدیاد پلتفرم‌ها در بخش صوت و تصویر فراگیر در دهه ۹۰، سیاستگذار و قانونگذار را متوجه این بخش کرد تا برایش برنامه‌ریزی داشته باشند و در برنامه هفتم به این موضوع هم توجه شده است. در بند پ ماده ۷۷، صداوسیما و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مکلف شده‌اند در مدت‌زمان مشخص پس از ابلاغ برنامه توسعه، نسبت به تنظیم آیین‌نامه اجرایی به‌منظور حمایت و رسیدگی به تخلفات اشخاص فعال در رسانه‌های صوتی و تصویری فراگیر ناشرمحور و کاربرمحور اقدام کنند، در شرایطی ضرورت این مهم به‌درستی تشخیص داده می‌شود که ساترا موظف شود در عرصه صوت و تصویر فراگیر نقش ناظر و تنظیم‌گر را اجرا کند، اما هنوز یک نظام منسجم قانونی با پیوست‌های مربوط به کارویژه خاص آن، برای حمایت در چهارچوب تنظیم‌گری و رسیدگی به تخلفات برای ساترا تعریف نشده است. چطور چنین جایی می‌تواند بدون اینکه نظام منسجم قانونی داشته باشد، برایش در لایحه‌ای به این مهمی بند و قانون تعریف کرد.

فرهیختگان
farhikhtegan.com

ردیف	سنجه عملکردی	واحد متعارف	هدف کمی در سال
۱	سریال ملی	قسمت	۱۱۰۰قسمت (رشد ۶۱ درصد سالانه نسبت به سال پایه)
۲	پویانمایی (انیمیشن)	قسمت	۲۹۲۰ قسمت (رشد ۳۸۰ درصد سالانه نسبت به سال پایه)
۳	مستند الف	قسمت	۳۶۵ قسمت (رشد ۲۱ درصد سالانه نسبت به سال پایه)
۴	مستند الف ویژه	قسمت	۵۲ قسمت (رشد ۲۶۰ درصد سالانه نسبت به سال پایه)
۵	برنامه شاخص	قسمت	۱۴۶۰قسمت (رشد ۹۴ درصد سالانه نسبت به سال پایه)
۶	سریال استانی	قسمت	۱۶۰۰ قسمت (رشد ۳ درصد سالانه نسبت به سال پایه)
۷	پویانمایی(انیمیشن) استانی	قسمت	۱۱۲۰۰ قسمت (رشد ۱۰۲۰ درصد سالانه نسبت به سال پایه)
۸	تله فیلم استانی	قسمت	۳۷۰ قسمت (رشد ۷۰۲ درصد سالانه نسبت به سال پایه)
۹	برنامه کودک و نوجوان و جوان	قسمت	۱۴۶۰ قسمت (رشد ۶۲ درصد سالانه نسبت به سال پایه)
۱۰	سریال الف ویژه	سریال	سالانه یک سریال
۱۱	برنامه‌های تولیدی با مخاطب کودک و نوجوان	افزایش درصد	٪۱۵۰
۱۲	برنامه‌های تولیدی با مخاطب جوان	افزایش درصد	٪۱۰۰
۱۳	برنامه‌های تولیدی با محوریت خانواده	افزایش درصد	٪۱۵۰
۱۴	برنامه‌های تولیدی با موضوعات سبک زندگی ایرانی اسلامی	افزایش درصد	٪۱۰۰
۱۵	برنامه‌های تولیدی با موضوع امیدآفرینی	افزایش درصد	٪۱۰۰
۱۶	برنامه‌های تولیدی با موضوع انسجام ملی	افزایش درصد	٪۱۵۰

اهداف کمی سنجه‌های عملکردی ارتقای فرهنگ عمومی و رسانه در لایحه برنامه هفتم توسعه

متن پیام دبیر جشنواره فیلم کودکان و نوجوانان منتشر شد

سینمای کودک نیازمند احیای تولید و اکران

به‌گزارش ستاد اطلاع‌رسانی و ارتباطات رسانه‌ای سی‌وپنجمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان، مجید زین‌العابدین، دبیر جشنواره سی و پنجم فیلم‌های کودک و نوجوان پیامی را به مناسبت برگزاری این رویداد منتشر کرد. در متن این پیام آمده است: «سینما هنر متعالی و جامعی است که علاوه‌بر وجوه هنری، تکنیکی و حرفه‌ای، از علوم انسانی و علوم تربیتی نیز الهام گرفته است. سینما امروز مظهر دیپلماسی عمومی و زبان مشترک بین ملت‌ها و هنر تبادل فرهنگ‌ها و تمدن‌ها را در ذات و ماهیت خود دارد. سینما کلید پیشرفت کشور است و سینمای کودک و نوجوان به همین نسبت می‌تواند راهنمای بچه‌های ایران زمین برای نیل در مسیر پیشرفت باشد. شعار جشنواره امسال هم با همین رسالت و نگرش، تنقیح و تهذیب یافت؛ بچه‌ها کمال‌طلب، حقیقت‌جو و آرمان‌خواه هستند و میل صعود به قله‌ها را دارند. پرواز به آسمان آرزوها و صعود به دست نیافتنی‌ها، رویای بچه‌هاست. حرکت به سمت قله، افکار و شخصیت بچه‌ها را به سوی کمال رشد می‌دهد. اینک پس از چهار سال فترت از برگزاری این رویداد به شکل حضوری، چراغ جشنواره فروغ دوباره گرفته و خانه جشنواره بار دیگر سرشار از شور و شوق و هیاهوی کودکان و نوجوانان است که از یک سو اندیشه و خلاقیت هنری سینماگران کودک و نوجوان را به رخ می‌کشد و از دیگر سو نشاط و ذوق دنیای کودکی را در سرزمین سینما متجلی می‌کند. قطار فیلم‌های جشنواره در سی و پنجمین ایستگاه برای بیست و سومین مرتبه به اصفهان، شهر زندگی رسیده است. شهری که نمادی از عقبه تمدنی و فرهنگی ما ایرانیان است و همه به داشتن اصفهان در قلب ایران عزیز افتخار می‌کنیم؛ اصفهان شهر فرهنگ و هنر، دیار صنعت و علم و بلاد ایمان و اخلاق است. معتقدم باید نسل آینده این سرزمین با اتکای به اصالت دینی و فرهنگی تربیت شوند و ریشه‌های هویتی خود را بشناسند، به همین علت در تولیدات مضمون‌محور سینمای کودک، برای کودک و نوجوان ایرانی حرف نو و ایده جذاب نیاز است. سینمای کودک و نوجوان با معصومیت کودکانه و لطافت نوجوانانه قرین و هم‌نشین است. جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان، محل تعاطی افکار اهالی این سینما نیز هست. واقعیت اینکه سینمای کودک و نوجوان با وجود همه گام‌های خوبی که در چهار دهه برای رشد و بلوغ خود برداشته، هم‌چنان نیازمند برنامه‌ریزی، راهبری و حمایت برای احیای تولید و اکران است. افول تولید و اکران در دوره کرونا، توقف‌ها و تکانه‌هایی را در آثار این حوزه ایجاد کرد. باید دست در دست هم دهیم تا سینمای کودک و نوجوان از نو روی پا بایستد. جشنواره سی و پنجم فرصت جدید برای توجه به آثار و تولیدات سینمای کودک و نوجوان است. همه سینماگران، اهالی فرهنگ و هنر و خانواده اصلی سینما میزبان اصلی این رویداد هستند. خداوند مهربان را شاکر هستم که توانستیم با همراهی و همدلی همکارانم در تهران و اصفهان، مدیران و مسئولان ذی ربط، چراغ جشنواره را بیفروزیم. تلاش همکارانم در دبیرخانه، ایجاد بهترین شرایط شایسته نام جشنواره و شأن سینمای کودک و نوجوان است. اینک فصل از نو ایستادن است.»

ادامه در صفحه ۱۳

درباره فصل «ارتقای فرهنگ عمومی و رسانه» در لایحه برنامه هفتم توسعه کشور

فرهنگ کیلویی

محمدصادق لواسانی
خبرنگار

لایحه برنامه هفتم توسعه کشور که این روزها در صحن علنی مجلس شورای اسلامی در حال بحث و بررسی است با انتقادات تندوتیزی مواجه شده است؛ انتقاداتی که از تغییرات گسترده کمیسیون تلفیق مجلس نسبت به لایحه دولت آغاز و به آمار و ارقام بعضا غیرواقعی لایحه کشیده شده است. انتقادی که به برنامه ششم توسعه هم وارد بود و درنهایت باعث شد به روایتی حدود ۳۵ درصد از آن و به روایت دیگر فقط ۱۵ درصد آن اجرایی شود!

فصل ۱۵؛ فصل آرزوها!

فصل ۱۵ لایحه برنامه هفتم توسعه که به «ارتقای فرهنگ عمومی و رسانه» اختصاص دارد را می‌توان یکی از غیرواقعی‌ترین بخش‌های این لایحه دانست که تعهدات و اهدافی غیرواقعی را به وزارت ارشاد و صداوسیما نسبت داده و البته ضمانت اجرایی و شاخصه بررسی کیفی هم برای آن درنظر نگرفته است. بخش فرهنگ در این لایحه، بسیار کمیت‌گرا نوشته شده و نویسندگان بدون توجه به الزامات تربیت نیروی انسانی و تولید آثار کیفی برای جلب توجه مخاطب داخلی و خارجی، شرایطی غیرقابل احصا را بدون بیان شاخصه‌های کیفی ترسیم کرده‌اند.

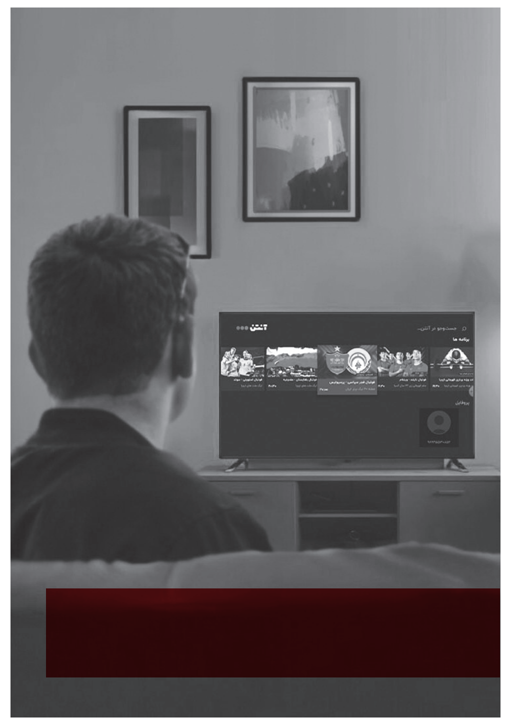

جداولی مغایر با واقعیت

سنجه‌های عملکردی حوزه فرهنگ در برنامه هفتم، در سه جدول ترسیم شده است.

تولید سالانه ۲۰ فیلم سینمایی فاخر، افزایش تعداد ۱۰ میلیون نفر- جزء حافظ قرآن، تولید ۵۰۰ اثر و محصول فاخر گفتمان‌ساز قرآنی، تربیت ۲۰ هزار نفر مربی سواد رسانه‌ای، افزایش ۶۰ درصدی تولید بازی رایانه‌ای ویژه کودک و نوجوان، تولید ۷۳۰۰ ساعت انیمیشن ویژه کودک و نوجوان، فقط در بخشی از این برنامه در نظر گرفته شده است. تنها در یک نمونه بد نیست بدانیم که طبق گزارش خبرگزاری ایرنا در اواخر سال ۹۹ که آمارهای متفاوتی را بیان می‌کند، مجموع تعداد نفر- جزء حافظان قرآن کریم از نیم تا ۳۰ جزء، بیش از ۱٫۵ تا ۲ میلیون نبوده است که فاصله زیادی با هدف کمی ذکر شده یعنی ۱۰ میلیون دارد!

فشار بر نمایش خانگی، بیشتر از گذشته

نمایش خانگی که در چند سال گذشته به صنعت پیش‌روی هنری کشور تبدیل شده، چالش بزرگی برای تعیین مرجع رسیدگی بین صداوسیما و وزارت ارشاد ایجاد کرد که به نظر می‌رسید با ورود رئیس جمهور و شورای عالی انقلاب فرهنگی سر و سامان پیدا کند. در مصوبه اخیر شورای عالی انقلاب فرهنگی که مورد توافق این دو نهاد قرار گرفته بود، صداوسیما به‌عنوان سازمان رسیدگی‌کننده به نمایش خانگی تعیین شد اما قرار بود جزئیات قانون آن، با همکاری وزارت ارشاد نوشته و در صحن علنی مصوب شود. همچنین مقرر شده بود در شورای بررسی آثار، دو نفر از نمایندگان وزارت ارشاد حضور داشته باشند. حال به نظر می‌رسد لایحه برنامه هفتم می‌خواهد موضوع را محکم‌کاری کند و در آن، بدون آنکه توافق شورای عالی انقلاب فرهنگی مدنظر قرار گرفته باشد، همه‌چیز در نمایش خانگی برعهده صداوسیما گذاشته شده است. این لایحه پا را یک قدم هم فراتر گذاشته و در بند ب از ماده ۷۶، صداوسیما را مکلف کرده است که «پنجره واحد» برای بارگذاری صوت و تصویر فراگیر ایجاد کند؛ موضوعی که کارشناسان از آن به‌عنوان مرگ نمایش خانگی تعبیر می‌کنند.

چرا مرگ نمایش خانگی؟

بسیاری معتقدند که بند یاد شده، آغازی بر بررسی آثار نمایش خانگی توسط ممیزان داخلی صداوسیما و با قوانین فیلم و سریال‌های روی آنتن است؛ چیزی که اگر اتفاق بیفتد قطعا می‌توان از آن به قتل نمایش خانگی توسط رقیبش یعنی صداوسیما یاد کرد. بماند که بند یاد شده، ابهامات و نگرانی‌های شدیدی درباره امنیت بارگذاری و نشر غیرقانونی آثار نمایش خانگی که هرکدام می‌تواند هزینه چندصد میلیون تومانی برای تولیدکننده داشته باشد، ایجاد کرده است.

تولید فیلم و سریال مثل خریدن سیب کیلویی از تره‌بار!

همان‌طور که گفته شد، در بحث تولید اثر، سنجه‌های عملکردی بسیار غیرمنطقی نوشته شده است. در بخش تولید فیلم، از وزارت ارشاد خواسته شده که سالیانه ۲۰ «فیلم فاخر» تولید کند؛ بدون آنکه مانند تمام سال‌های اخیر، کلمه «فاخر» تعریف مشخصی داشته باشد. در واقع اگر مانند یک دهه اخیر، فیلم فاخر را فیلمی بودجه‌بر تعریف کنیم، قطعا امکان تولید ۲۰ فیلم فاخر در سال وجود ندارد. همچنین اگر مقصود از فاخر بودن را موضوع و کیفیت در نظر بگیریم نیز باید گفت که هالیوود با چند برابر نیروی انسانی و منابع مالی و بازار جهانی، سالی ۲۰ فیلم فاخر ندارد!

از سوی دیگر، برنامه هفتم، وزارت ارشاد را موظف به حمایت از تولید ۷۳۰۰ ساعت انیمیشن کرده است. اگر میانگین هر فیلم سینمایی انیمیشن را ۱٫۵ ساعت در نظر بگیریم، وزارت ارشاد موظف است در طول ۵ سال، سالیانه از تولید ۹۷۰ فیلم سینمایی انیمیشن حمایت کند؛ رقمی که نه نیروی انسانی آن در کشور وجود دارد، نه ظرفیت نمایش آن و نه ظرفیت صادراتش! در همین راستا، در بند ۳ از الحاقیه سوم این فصل، معاونت علمی ریاست جمهوری موظف شده است که زیرساخت توسعه و تجهیز یک کارخانه نوآوری تولید انیمیشن در هر استان را فراهم کند؛ مفهومی که به نظر می‌رسد بدون توجه به شرایط نیروی انسانی، وضعیت صادرات محتوای داخلی و البته حد و اندازه‌های «کارخانه» نوشته شده است.

تکالیف عجیب و غریب برای صداوسیما

لایحه برنامه هفتم علاوه‌بر وزارت ارشاد، در ماده ۷۷ برای «تقویت مرجعیت و کارایی رسانه ملی»، تکالیف عجیب‌وغریبی را نیز برای صداوسیما تعیین کرده است. لایحه می‌گوید اولا صداوسیما باید در تولیدات خود افزایش مرجعیت رسانه‌ای را مدنظر بگیرد و ثانیا باید از تولید محتوای فرهنگی و هنری در فضای مجازی حمایت کند؛ آن هم صداوسیمایی که در تولید نکردن روتین برای شبکه‌های داخلی مورد انتقاد شدید است و برنامه‌هایش به زور از ۲۰ درصد مخاطب فراتر می‌رود. تولید ۱۱۰۰ قسمت سریال ملی، ۲۹۲۰ قسمت انیمیشن، ۳۶۵ مستند الف، ۵۲ مستند الف ویژه، ۱۶۰۰ قسمت سریال استانی، ۱۱۲۰۰ قسمت انیمیشن استانی، ۳۷۰ تله‌فیلم استانی، سالانه یک سریال الف ویژه و... ازجمله تعهداتی است که برای صداوسیما ایجاد شده است.

برای بررسی بهتر این تعهدات، جالب است بدانیم که هیچ کدام از سریال‌های الف ویژه صداوسیما در یک سال ساخته نشده‌اند و تولید هرکدام در ساده‌ترین شکل ممکن مانند سریال «سوران»، حداقل ۵۰ میلیارد تومان نیاز دارد؛ آن هم نه سریالی مانند «موسی(ع)» یا «سلمان فارسی» که نزدیک به ۱۰۰۰ میلیارد تومان بودجه و ۶-۷ سال زمان می‌خواهند. یا به‌عنوان مثال درباره مستندهای الف ویژه، چند ماه قبل جواد قارایی گفت که صداوسیما در تامین بودجه مستند الف ویژه ایرانگرد دچار مشکل جدی است و برنامه تعطیل شد! همچنین اگر از کنار مفهوم ابداعی «سریال ملی» که قرار است هر ۱٫۵ روز، یک قسمت جدید روی آنتن داشته باشد بگذریم، بد نیست بدانیم که در حوزه انیمیشن نیز این برنامه اهداف غیرقابل احصایی را تعیین کرده است.

در نرم جهانی، حداقل باکس پخش یک انیمیشن ۴ دقیقه است (مگر آنکه میان‌برنامه باشد). بنابراین این لایحه، صداوسیما را به تولید حداقل ۵۶۴۸۰ دقیقه انیمیشن ملی و استانی موظف می‌کند. این ارقام با توجه به تعهدی که برای وزارت ارشاد هم دیده شده، بدون در نظر گرفتن تعداد نیروی انسانی و تجهیزات مورد نیاز نوشته شده است؛ مگر آنکه مقصود از تولید انیمیشن، همان آثار بی‌کیفیت و لاغر تصویری باشد که نه در شبکه‌های داخلی مخاطبی دارد و نه امکان فروش خارجی.

چه کسی پول این تولیدات را می‌دهد؟

همه این تولیدات در شرایطی قرار است محقق شود که لایحه در تبصره ۱ ماده ۷۷ می‌گوید صداوسیما باید سالیانه ۱۰ درصد از آگهی بازرگانی فعلی خود (که از گذشته کمتر شده) را کاهش دهد و رقم کسر شده را از دولت بگیرد! علاوه‌بر این، دولت باید از همان سال اول، سهم صداوسیما را ۷۵ درصد (نسبت به اعتبارات کل سازمان برنامه و بودجه به منابع بودجه عمومی) افزایش دهد؛ همان رویکردی که قطعا موجب افزایش تولیدات بی‌کیفیت، بدون توجه به درصد مخاطب آن می‌شود.

یک بند خطرناک پرحاشیه

علاوه‌بر موارد ذکر شده، در بند پ از ماده ۷۵ لایحه، به وزارت ارشاد اجازه داده شده است که برای تقویت نقش نظارتی در حوزه فرهنگ، هنر و رسانه، آیین‌نامه‌ای را در هیات وزیران به تصویب برساند که بتواند در صورت احراز تخلفات نسبت به محرومیت، تعلیق یا لغو مجوز متخلفان اقدام کند؛ بندی که درباره شیوه احراز تخلف سکوت کرده است و درصورت تصویب نهایی، بیم آن می‌رود که تشخیص لزوم تنبیه و به‌کارگیری میزان تنبیه از قوه قضائیه به وزارت ارشاد منتقل شود.

هنوزم فکر می‌کنی «شام از نون شبم واجب‌تره» کمال؟!

هومن جعفری
خبرنگار

نمی‌شد دوستش نداشته باشی! به دورانی تعلق داشت که برای دوست داشته شدن، نیاز نبود آدم خاصی باشی، حرف‌های خاص بزنی، کارهای خاص انجام بدهی و توجه آدم‌های خاصی را جلب کنی. شاید شما یادتان نیاید اما او اهل دورانی بود که آدم‌ها خود را با تعداد لایک‌های روزانه قضاوت نمی‌کردند و تعداد فالوور، ملاک موفقیت شما نبود. در آن روزگار شما با خودتان سنجیده می‌شدید نه با دروغ‌های مجازی‌تان. آن دوران تکرارنشدنی دوست‌داشتنی بسیار پرحسرت، روزگاری بود که زندگی ما کمتر درگیر سیاست و حزب‌بازی و از همه تلخ‌تر بیماری همه‌گیر جلب توجه و چیزهای اینچنینی بود. روزگار مهربان‌تر بود و آدم‌ها همدل‌تر و تو می‌توانستی دل ببندی به جادوی سینما یا جعبه جادو. آن روزها، تلویزیون هرچه پخش می‌کرد می‌دیدیم. دلم می‌خواست نونیسم مجبور بودم. دلم می‌خواست ننویسم انتخاب دیگری نبود. دلم می‌خواست و دلم می‌خواهد که بنویسم آن روزها نگاه کردن به تلویزیون، حال خوب خودش را داشت. می‌توانستی ببینی و بخندی و شاد باشی و به معنای واقعی کلمه سرگرم شوی و اگر حوصله‌ات سر می‌رفت، رادیو هم بود یا سینما یا کتاب. خوب که فکرش را می‌کنم، دو سه دهه قبل چه فیلم‌هایی داشتیم و چه برنامه‌هایی و چه هنرمندانی هنوز بین ما بودند و چه کتاب‌هایی قرار بود منتشر شود و به دست‌مان برسد. در آن دوران با همه محدودیت‌هایش خلاق‌تر بودیم.

سیاست هنوز وارد زندگی مانشده بود درست عین شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی! زندگی هنوز در دورهمی‌هایی خلاصه می‌شد که در آن کسی تلفن همراه دستش نبود و آدم‌های خونگرم و اهل دل و باصفا، شمع مجلس بودند. در چنین شرایطی نگاه کردن به‌صورت دسته جمعی به برنامه‌های تلویزیون لذت‌بخش بود؛ درست همان‌طور که دیدن رفقای قدیمی در صف سالن‌های سینما یا در گالری‌های هنری مختلف. دوست‌داشتن آدم‌هایی مثل فردوس کاویانی، نمک آن دوران بود. دورانی که قیل و قال زندگی، کمتر از آن بود که باعث شود تا بی‌حاشیه‌هایی مثل او، کمتر به چشم بیایند. دوستش داشتیم. ما تلویزیون‌بین‌ترها بابت «همسران» و بعدتر «آژانس دوستی»! سینمابین‌ترها بابت «اجاره‌نشین‌ها» و «سگ‌کشی»! بیشتر نقش آدم‌های ساده را بازی می‌کرد. آدم‌های ساده‌دل... آدم‌های معمولی... برای ما آدم معمولی‌ها که زندگی معمولی خودمان را داشتیم، فردوس کاویانی یکی از خودمان بود. یکی از ما. از خودمان. اگر «او» می‌توانست مثل آدم‌های دیگر باشد، پس آدم‌های دیگر هم می‌توانستند «او» باشند. درگیر زندگی و قسط و بازی‌های ساده روزگار ولی صمیمی و گرم آن‌طور که دیالوگش تا ابد در ذهن بماند: «به نظر من شام از نون شبم واجب‌تره»!

۱۰ سال آخر عمرش را کمتر بازی کرد. درگیر بیماری پارکینسون بود. بی‌سروصدا خانه‌نشینی را پذیرفت و دیگر بیرون نیامد. بازی نکرد اما از خاطره‌ها محو نشد. هنرنمایی‌های او به فضای مجازی هم راه یافت. می‌توانستی سریال‌هایش را دانلود کنی یا در اینستاگرام تکه‌هایی ببینی از کارهای قبلی‌اش. کمرنگ شدنش در دو دهه آخر عمر را باید ربط داد به نازل‌تر شدن کیفیت کارها و همچنین تغییر زندگی همه‌مان. سیاست و اینترنت همه چیز را دستخوش خود قرار می‌دادند. پول‌های کلان وارد سینما شد. پول‌های کلان، فروش کلان می‌خواست و فروش کلان، چهره‌های جدید. دوران سلبریتی‌ها بود که شاید خیلی عمق و محتوا نداشتند اما فالوورهایشان بالا بود. به مرور جنس کمدی‌ها و فیلم‌ها افت محتوایی پیدا کرد و امثال او کنار رفتند. امثال او که نقش‌ها را شیرین بازی می‌کردند، باید کنار می‌رفتند تا دیگران وارد عرصه شوند. ...و حالا او دیگر بین ما نیست... کمال سریال همسران حالا دیگر نیست تا از او بپرسیم: هنوزم فکر می‌کنی «شام از نون شبم واجب‌تره» کمال؟!

تام هنکس نسبت به فریبکاری هوش مصنوعی هشدار داد

تام هنکس بازیگر برنده اسکار چند روز پیش به دنبال‌کنندگانش در شبکه‌های اجتماعی درباره یک ویدیوی تبلیغاتی از او که برای یک طرح دندانپزشکی ساخته شده و در فضای مجازی پخش می‌شود، هشدار داد. هنکس نوشت: «حواس‌تان باشد! ویدئویی منتشر شده که در آن برخی از طرح‌های دندانپزشکی با نمونه هوش مصنوعی من تبلیغ می‌شود. این ربطی به من ندارد.» هنکس این جملات را روی تصویری نوشت که متعلق به همتای هوش مصنوعی خودش بود.

این بازیگر پیش از این در مورد ظهور هوش مصنوعی و فناوری دیپ‌فیک در صنایع خلاق صحبت کرده بود و در یکی از مصاحبه‌هایش گفته بود به این ترتیب این امکان برای او وجود دارد که پس از مرگش به بازیگری ادامه دهد. وی گفته بود: «حالا هر کسی در هر سنی که باشد می‌تواند خودش را از طریق هوش مصنوعی بازسازی کند. فردا ممکن است اتوبوس مرا بزند و تمام، اما بازی‌های من می‌تواند ادامه داشته باشد. این قطعا یک چالش هنری است، اما یک چالش قانونی نیز هست.» بازیگر فیلم «الویس» افزود: «همه اصناف، آژانس‌ها و همه شرکت‌های حقوقی دارند درباره پیامدهای قانونی چهره و صدای من و دیگران که مالکیت معنوی ما هستند، بحث می‌کنند.» وی در توضیح نظراتش گفته بود بی‌شک مردم می‌توانند بگویند این هوش مصنوعی است، اما سوال اینجاست که آیا به آن اهمیت می‌دهند؟ برخی اهمیتی نمی‌دهند و برایشان فرقی نمی‌کند.

«بچه‌زرنگ» نتیجه تلاش یک گروه ۲۵۰ نفره است

حامد جعفری، تهیه‌کننده انیمیشن «بچه زرنگ» در برنامه صبح بخیر ایران گفت: «در زمان اکران شاهزاده روم ما هیچ امیدی به فروش آن نداشتیم و با این حال تبدیل به سومین فیلم پرمخاطب سال تبدیل شد. در همان سال این موفقیت باعث متقاضی شدن ۸ فیلم انیمیشنی در جشنواره فجر شد. موفقیت شاهزاده روم باعث جدی گرفته شدن انیمیشن در کشور ما شد.» وی اضافه کرد: «قرار گرفتن فیلشاه در لیست پرمخاطب‌ترین فیلم‌های ایرانی، صنعت پویانمایی را در ایران دچار تحول کرده است. این موضوع منجر به ورود افراد بیشتری به این صنعت می‌شود و در نتیجه آن اثری مانند بچه زرنگ خلق می‌شود. این اثر با مشارکت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان و مجموعه هنر پویا شکل گرفته است.» جعفری در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «درواقع دو اثر گذشته ما یعنی فیل‌شاه و شاهزاده روم بودند که باعث رسیدن به سطح کیفی کنونی کار بچه زرنگ شد. در واقع این اثر محصول تلاش ۲۵۰ نفر جوان خوش ذوق و هنرمند ایرانی است.» وی افزود: «وجود اثری مانند بچه زرنگ که به لحاظ کیفی از دیگر آثار کیفیت بالاتری داشته و قابلیت رقابت در عرصه جهانی را دارد، مدیون تجربیات چندین و چند ساله ما و تلاش‌هایی است که برای رسیدن به این نقطه متحمل شدیم.» وی درمورد وجود صبغه دینی در پویانمایی‌ها گفت: «سینما یک ابزار تربیت برای کودک و نوجوان است که برای محقق شدن اهداف آن به یک الگو و رابطه درست نیاز است. در بچه‌زرنگ نیز ما همواره درصدد ارائه یک الگوی مناسب برای قشر کودک و نوجوان بوده‌ایم.»

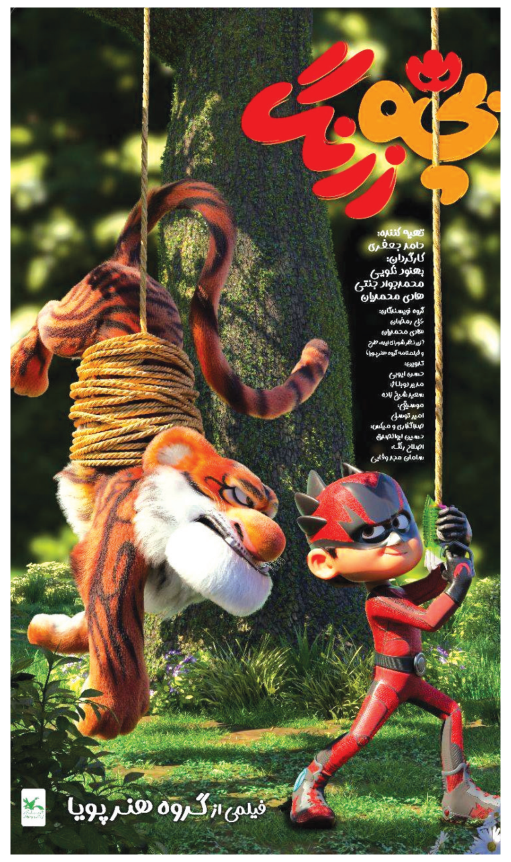
بچه زرنگ
فیلمی از گروه هنر پویا

ادامه از صفحه ۱۲